

عصر الوقت اودانای سلیمان علیه السلام از حق تعالی در حوائت که  
اسبان باقیمانده بی برایشه تیر دعا بهدف اجابت رسید اصل سلیمان



اسبان نازی یعنی خونی اران صد اسب است در صفت و شناخت اسب  
که چگونه باید شناخت اسنادان چنین گفته اند که اسب روز جنگ  
یک رنگ باید بهترین رنگها که است اول آنکه قرمز روی و دیر و قوی



و فراخ نشانی و فراخ سینه و فراخ کتف کوتاه پشت و استخوان و دم  
کوتاه و دهن فراخ و شکم فراخ سبزه و سیاه چشم و سیاه نور سیاه  
و سیاه دم و سیاه سم نقلت که حجاج بن یوسف باین العربیه گفت  
که ایسی هر روز برای روز جنگ بخاطر من خوش کن او جواب داد  
که محمد مرزبان که ماور وید را بکهار است از را بستان و اسناد آنرا  
این فن است از وید پرس محمد مرزبان را فرمود گفت اگر برای  
جنگ خواهی اسب یک رنگ باشد اگر شتر مرغدار را خواهی جنگ و اگر  
اسب را خواهی مشکلی و اگر بر سبزه و مرغدار را خواهی اسب ابلق باشد  
اگر سگدار را خواهی اسب پور باشد و اگر ویدار را خواهی اسب سمنه  
باشد و اگر راه زحمت را خواهی اسب کلکون باشد و اگر چکان را خواهی  
اسب سرنگ باشد بد آنکه بهترین از همه اسبان اسب سرنگ باشد



به سپیدی که شیر با هتاپ **بیا** اگر اسپ بزرگ بی نشان که  
 بهوتری با همه موافق افتاده باشد این اسپ بی بهاست  
 بسیار مبارک و ستوده در هر ملک که باشد اهل ملک و گو  
**تصویر سفید اسپ تمام سفید باشد**



سوار و روز بروز در اعدا طیاره **در وقت دو وقت**  
 و نیم رک سبزه که تباری زبان او هم گویند عنید و آن سخن



گویند و بختیان مشکى نو پسند رنگ و بگونه ابر سیاه یا بر صورت  
 یاه و سیاه یا بر یک کومل باشد اس جانور در عهد نظم  
 بسی چون سواد دیده نور سیاهی و نمری از جور حسن بی رنگ  
 نشان که همه پورها موافق اصاده باشد *تصویر سیاه که نام آن یاه و سیاه*



آن است بجا مبارک است و اگر این است بر کوشش چشم خال  
 افتد از آن غیر مبارک دانند سوار او در حریف است تعالی بر دهن

و اگر این است



و اگر این اسب خال سفید بر شکم باشد صاحب آن مالک فرزند  
 باشد و اگر خال سفید بر پهلوی باشد افتد خوشی و راحت و اگر اینجائی  
 کردن اسب واقع شود صاحب آن مالدار و نوکر گردد و اگر بر ساق  
 اسب افتد نیز خوب است **سیوم رنگ سرخست تصویر اسب نرنگ**



این را نیز گویند پند بیان آنرا سون ورن گویند سرخی او باشد **خون**  
 سوده یا کل آنرا یا بلون خون یا رنگ لک لکه که آنرا سرخی خوانند



آن طور بود **عظم** نیز چون زعفران ما سوده **پا** می کل

انار پیوده **پا** اگر آب تمام سوج رنگ که تمام پیر نر نهایی

مواقی افتد مبارکت سوار آن بر و چنگ طرما به این نشانها که در پناه

نکور شده است اگر بر سوج افتد همان نیمی **نصویر** زرد نه تمام زرد



چهارم رنگ زرد است که آنرا زرده گویند و سینه دان او را بن دندان

خوانند زردی باید که بر پشت طلک یا شعله آتش یا مثل زردی که در